



فلسفه نوصدرایی از فلسفه روز جهان عرب و دنیای غرب جلوتر است

پژوهشگر اندیشه اسلامی با بیان این‌که اکنون در زمینه مباحث فلسفی به خصوص با توجه به فلسفه نوصدرایی، از وضعیت روز جهان جلوتریم، اظهار کرد....

پژوهشگر اندیشه اسلامی با بیان این‌که اکنون در زمینه مباحث فلسفی به خصوص با توجه به فلسفه نوصدرایی، از وضعیت روز جهان جلوتریم، اظهار کرد: جهان عرب در حالی در فلسفه ابن‌رشد متوقف مانده است که در فلسفه او نقایص جدی وجود دارد؛ در جهان غرب نیز فلسفه به سمت تقلیل به جامعه‌شناسی علم یا فلسفه علم حرکت می‌کند.

حجت‌الاسلام و المسلمین قاسم ابراهیمی‌پور، پژوهشگر اندیشه اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، ضمن بیان مطالبی درباره تحول علوم انسانی اسلامی در حوزه روش‌شناسی، تأکید کرد: این تغییر و تحول یقیناً مبنایی و ناظر به سه مقوله هستی، معرفت و روش است.

وی ادامه داد: علوم انسانی ریشه در مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی دارد و به طور طبیعی، اگر این سه مبنا را از مکاتب مختلف انسانی بگیریم و مبانی دیگری جایگزین آن کنیم، به مکاتب متفاوت انسانی دست خواهیم یافت. به این ترتیب می‌توان گفت که بر مبنای حکمت مشاء، حکمت اشراق، حکمت صدرایی و حکمت نوصدراییان می‌توانیم مکاتب مختلف علوم انسانی تأسیس کنیم.

مدرس دانشگاه باقرالعلوم (ع) با اشاره به این‌که واقعیت اجتماعی سطوح مختلفی دارد، افزود: یک سطح واقعیت اجتماعی، تجربی است و در عین حال سطوح عقلانی و شهودی نیز در آن مطرح است. ما به دلیل این‌که منبع تجربی را می‌پذیریم و علاوه بر آن منبع عقل و شهود را به عنوان منابع معرفتی می‌پذیریم، می‌توانیم تحلیلی عمیق‌تر از تحلیل‌های تجربی ارائه دهیم.

وی درباره نسبت این سطوح با یکدیگر گفت: ما می‌توانیم تحلیل‌های تجربی را با تحلیل‌های عمیق‌تر عقلی و شهودی و بدون هیچ تعارض و تضادی با هم در تبیین و تفسیر پدیده‌های اجتماعی به کار بگیریم.

ابراهیمی‌پور در پاسخ به این پرسش که چه تلاشی در زمینه اسلامی کردن علوم اجتماعی صورت گرفته است، اظهار کرد: چندین دهه است که مؤسسات مختلف در داخل و خارج از ایران می‌کوشند تا در این زمینه نوآوری و تحولی پدید آورند، بعضی در ابتدای راه هستند و هنوز از امکان اسلامی‌سازی علوم انسانی سخن می‌گویند.

وی با اشاره به گروه دوم گفت: اما بعضی‌ها به نظریه‌پردازی و ارائه روش‌های نوینی رسیده‌اند و مقالات متعددی در این زمینه اخیراً در کنگره علوم انسانی ارائه شده است که واقعاً به طرح نظریه‌های جدید می‌پردازد یا روش نوینی در عرصه علوم انسانی و اجتماعی مطرح می‌کنند. اما به‌رغم نظریه‌پردازی مؤسسات مختلف در سطوح مختلف، هنوز توافق فراگیر علمی در این زمینه وجود ندارد.

این پژوهشگر در پاسخ به پرسشی درباره منابع اخذ روش و منابع معرفتی گفت: تمام رویکردهای علوم انسانی، اعم از علوم فلسفی، عرفانی و کلامی، علوم فقه و تفسیر و حتی تاریخ می‌توانند متناسب با موضوع و روش خود، موجب پیدایش دانش اجتماعی شوند. این‌طور نیست که ما صرفاً به قرآن و سنت محدود بمانیم، بلکه با توجه به این‌که همه علوم که از آن یاد شد، بر مبنای معارف دینی بنا شده و بهره لازم را از آیات و روایات برده‌اند، مسائل و فروع جدیدی را مطرح کرده‌اند که در تأسیس مکاتب علوم اجتماعی به ما کمک می‌کنند.

وی با تأکید بر این‌که چیستی مسئله اندیشمندان، به علوم جهت می‌دهد، به مسائل حقوق زنان و رویکردهای فمینیستی اشاره کرد و افزود: حکمت متعالیه ظرفیت برجسته‌ای درباره این مباحث دارد، اما از آن جهت که این مسائل، جزء دغدغه‌های اندیشمندان ما نبوده است، مباحثی در این زمینه مطرح نشده است.

ابراهیمی‌پور با بیان این‌که جامعه علمی ما در چند دهه اخیر با علوم غربی مواجهه بیشتری یافته است و به همین نسبت، سؤالاتی در ذهن محققان ایجاد شده است، ادامه داد: شکل‌گیری علوم در هر جامعه و فرهنگی، متناسب با شرایط اعتقادی و عرفی آن جامعه پدید می‌آید و مواجهه کنونی با علوم غربی، دغدغه اندیشمندان را به سمت حل این مسائل جهت داده است.

وی افزود: در گذشته، مسائل ما به نحوی بوده است که در مسائل فقه، روش‌شناسی اصول فقه، فلسفه و برخی علوم دیگر رشد چشمگیری داشته‌ایم، اما در مسائل علوم اجتماعی به آن اندازه شکوفایی نداشته‌ایم و این فقدان پیشرفت به این دلیل بوده است که

رویکرد اندیشمندان ما و دغدغه‌های ذهنی آنها چیز دیگری بوده است، نه این‌که ظرفیت آن وجود نداشته است.

این پژوهشگر با بیان این‌که اکنون در زمینه فلسفی از وضعیت روز جهان جلوتریم، گفت: جهان عرب در حالی در فلسفه ابن‌رشد متوقف مانده است که در فلسفه او نقایص جدی وجود دارد. در جهان غرب نیز فلسفه به سمت تقلیل به جامعه‌شناسی علم یا فلسفه علم حرکت می‌کند که فلسفه را از جایگاه حقیقی آن جدا می‌کند.

وی ادامه داد: اما اندیشمندانی نظیر علامه طباطبائی، آیت‌الله جوادی آملی و استاد مصباح یزدی که فیلسوفان نوصدرایی هستند و فلسفه صدرایی را به پیش برده‌اند و مسائل جدیدی را مطرح کرده‌اند، موجب پیدایش ظرفیت‌هایی در این عرصه شده‌اند که شاید بتوان گفت یک قرن جلوتر از فلسفه جهان امروز است و امروز محققان ما باید بکوشند بر مبنای این فلسفه پیشرو، وارد علوم انسانی اجتماعی شوند و از ظرفیت‌های فلسفی موجود در حل مسائل حوزه‌های دیگر علوم استفاده کنند.

ابراهیمی‌پور با تأکید بر این‌که ما باید به عنوان اندیشمند مسلمان، در علوم مختلف، گامی به پیش برداریم، به بررسی رویکرد تفهیمی از دیدگاه فلاسفه اسلامی اشاره کرد و افزود: طی یک مقاله علمی به این پرسش پرداخته‌ام که اگر فارابی اکنون زنده بود، با مبنای فلسفی خود، چه سخنی در باب علوم اجتماعی می‌گفت. نتیجه این بررسی این بود که ظرفیت‌هایی در این زمینه وجود دارد و به نظر می‌رسد که ظرفیت بسیار غنی و باارزشی در حوزه فلسفه، عرفان و کلام خود داریم که با اتکا به آنها و بازتولید آنها، قادریم سخنان جذابی برای جامعه امروزی داشته باشیم.